

در جستجوی تاریخ فرهنگی

نقدی بر ایده چرخ هگلی

ارنست گامبریچ

با مقدمه مقالات

گامبریچ و تاریخ فرهنگ، ریشه کلود نیکلاس پیور
احیای تاریخ فرهنگی: فریبرز گامبریچ، نوشته دن کارلهم

مترجم: سید رضا وسمه گر



نقد فرهنگ

۱۳۹۷

سرشناسه	ارنست گامبریچ
عنوان و نام پدیدآور	در جستجوی تاریخ فرهنگی / ارنست گامبریچ؛ مترجم سیدرضا وسمه گر.
مشخصات نشر	تهران: نقد فرهنگ ۱۳۹۷.
مشخصات ظاهری	۱۳۶ ص.
شابک	۹۷۸-۶۰۰-۸۴۰۵-۴۹-۸
وضعیت فهرست نویسی	فیبا
بازداشت	اثر حاضر ترجمه مقاله ای تحت عنوان " Restoring Cultural History: Beyond Gombrich از کتاب " Ideals and idols: Essays on values in history and in art .
موضوع	تمدن - فلسفه
شناسه زوده	وسمه گر، سیدرضا، ۱۳۶۴ -، مترجم
رده بندی کنفر	۱۳۹۱/۴۲۵۴ CB۱۹
رده بندی دیویی	۹۰۱
شماره کتابشناسی ملی	۵۰۰۲۹۱



نشانی: پردیس، میدان عدالت، خ فروردین جنوبی، خ مدی، مجتمع: انم، ۱، بلوک A2، واحد ۲۰۳
تلفن: ۷۶۲۷۶۷۴۸ مراکز پخش: ۹۹، ۶۶۴، ۶۶۵۶۷۰۰، ۶۶۴۸۶۵۳۵

نام کتاب: در جستجوی تاریخ فرهنگی؛ نقدی بر ایده - تاریخ اسلام

نویسنده: ارنست گامبریچ

مترجم: سیدرضا وسمه گر

نوبت چاپ: اول

سال انتشار: ۱۳۹۷

تیراژ: ۵۰۰ نسخه

قیمت: ۱۵۰۰۰ تومان

شابک: ۹۷۸-۶۰۰-۸۴۰۵-۴۹-۸

کلیه حقوق محفوظ و مخصوص انتشارات نقد فرهنگ است.

فهرست مطالب

۷	 مقدمه مترجم
۱۳	 در جستجوی تاریخ برهنگی
۱۳	 پیشگفتار
۱۵	 ۱. اصطلاح و مصداق
۲۲	 ۲. نظام هگلی
۳۳	 ۳. هگل باوری بورکهارت
۴۹	 ۴. هگل باوری منهای متافیزیک
۵۹	 ۵. نشانه‌ها و علائم
۶۴	 ۶. جنبش‌ها و عصرها
۶۸	 ۷. موضوعات و فنون
۷۷	 ۸. مواضع دانشگاهی

نقدها

۹۳	 گامبریچ و تاریخ فرهنگی
۱۱۷	 احیای تاریخ فرهنگی: فراتر از گامبریچ

مقدمه مترجم

درجه‌بندی تاریخ فرهنگی یکی از مهمترین، تأثیرگذارترین و بحث‌برانگیزترین آثار در حوزه «تاریخ فرهنگی» در سده‌ی بیستم است. این مقاله، یا در واقع سخنرانی مکتوب شده، غالباً به مثابه‌ی نقطه‌ی گسست «تاریخ فرهنگی» (Cultural History) از میراث هگلی و سده‌ی نوزدهمی مطالعه‌ی تاریخ فرهنگ (Culturgeschichte) را توجه قرار گرفته است. ارنست گامبریچ، که به واسطه‌ی مطالعات ارزشمند و محراب خویش در تاریخ هنر و تأملاتش در ماهیت اثر هنری چه در حوزه‌ی قاره‌ای و چه بعدها البته در دنیای آنگلوساکسون به شهرت رسیده بود، به سال ۱۹۶۷ در این رساله‌ی پراهمیت کوشید تا «تاریخ فرهنگی» را برای همیشه از جنگ میراث «شوم» هگلی (کل باوری ایدئالیستی، تاریخ باوری ترقی‌انگارانه، سوسیال باوری و...) نجات بخشد.

سرارنست هانس ژوزف گامبریچ (Sir Ernst Hans Josef Gombrich) (۱۹۰۹-۲۰۰۶ لندن) مشهورترین تاریخ‌نگار هنر سده‌ی بیستم پیش از آغاز جنگ جهانی اول در یک خانواده‌ی فرهیخته در پایتخت امپراطوری اتریش-مجارستان متولد شد. پدر او، کارل گامبریچ، وکیلی بلندمرتبه و رئیس اتاق وکلای وین و مادرش موسیقی‌دانی فعال بود. با درگرفتن آتش جنگ جهانی اول اما زندگی ارنست و خانواده‌اش به سختی و ناآرامی گرایید تا جایی که پدر و مادرش ناچار شدند او را برای فرار از جنگ با زحمت فراوان

به سوئد بفرستند. ارنست در بازگشت به اتریش در مدرسه‌ی «ترزیانوم» مشغول تحصیل شد. او علاقه‌ی دائم و همیشگی خویش به عصر کلاسیک تمدن مغرب زمین را از دوران تحصیل در این مدرسه به ارث برد؛ علاقه‌ای که بعدها و در جریان تحصیل او در دانشگاه وین میان سال‌های ۱۹۲۸-۱۹۳۵ در رشته‌هایی چون تاریخ هنر، باستان‌شناسی، روان‌شناسی و فلسفه تقویت شد. اولین نوشته‌ی جدی او در ۲۶ سالگی، تحت عنوان *تاریخ جهان به نثری* شهرت گرفت و به زبان‌های بسیار ترجمه شد. اما باز جنگ و این بار جنگ جهانی دوم او را ناچار به جلائی وطن کرد. اما این بار مهاجرت برای گامبریچ به نفع او دلیپذیر آمد. او در لندن، در مؤسسه‌ای مشغول به کار شد که به عادت پیوسته‌ی علایق او خصوصاً به میراث کلاسیک تمدن غرب بود. این شد که گامبریچ تا پایان عمر چه به عنوان دانشجو، و چه بعدها به عنوان مدیر و سران به مؤسسه‌ی واربورگ وفادار ماند. خطرناک‌ترین در وطن، کار مطبوع در مؤسسه‌ی واربورگ، دوستی نزدیک با یار و هموطن و همفکر خویش سرکارل پوپر و احترام انگلیسی‌ها به سنت و تداوم آن، همه و همه موجب شد که گامبریچ در همین کشور ابرار دایج کرده و در ۱۹۴۷ تابعیت بریتانیایی اخذ کند. او که تا سال ۱۹۷۶ به عنوان مدیر مؤسسه‌ی واربورگ به کار خود ادامه داد، عمده‌ی آثار خلاقانه‌اش را در نی‌های و دهه‌ی بیستم در حال و هوایی باب طبع خویش و به هنگام تدریس در دانشگاه ای معتبر کمبریج، آکسفورد و لندن نگاشت؛ آثاری که برای او جوایز و افتخارات بسیار به همراه آورد. از مهم‌ترین آثار او می‌توان به *تاریخ هنر* (که در سراسر جهان و از جمله در ایران با استقبال فراوان مواجه شده)، *هنر و وهم*، *تاریخ جهان*، *ایدئال‌ها و بت‌ها*، *معنای نظم*؛ *مطالعه‌ای در روان‌شناسی هنر دکوراتیو...* اشاره کرد.

در جستجوی تاریخ فرهنگی از یک مقدمه و هشت فصل تشکیل شده است. گامبریچ پس از توضیح در باب فرم و قالب نوشته‌ی خود در مقدمه، در

فصل اول به بحثی مختصر در باب واژه‌ی «فرهنگ» و دلالت‌های آن در اعصار گوناگون و به خصوص در روزگار معاصر خویش می‌پردازد. فصل دوم که از مهم‌ترین بخش‌های این رساله است به توضیح نظام فلسفه‌ی تاریخ هگل و بیان ایرادات گامبریچ بر آن اختصاص یافته است. از جمله‌ی این ایرادات، ابتناء بر پیش‌پنداشته‌های نقدناشده و اثبات‌نشده، دست‌زدن به تمییم‌های ناروا، باور نادرست به وحدت ساختاری تمام وجوه یک فرهنگ و یک عصر، استدلال قیاسی و ابتناء بر گزاره‌های عام، روش تأویلی و بیان تفاهیر ناروا و سرخود، ترقی‌باوری اجتناب‌ناپذیر و... است؛ ایراداتی که گامبریچ هیچ‌یک از آنها را به تنهایی برای گمراهی «تاریخ فرهنگی» کافی می‌داند. فصل سوم که ناقص‌ترین فراز رساله‌ی حاضر انگاشته می‌شود، شامل استدلال‌های گامبریچ برای اثبات هگلی بودن بورکهارت، مورخ ضد نظری آلمانی، می‌شود. گامبریچ در این مورد را در فصل چهارم با رفتن به سراغ گروه پرشماری از اساتید تاریخ فرهنگ در اواخر سده‌ی نوزدهم و اوایل سده‌ی بیستم در دنیای آلمانی‌زبان، از جمله اشناسه، ولفلین، دیلتای، ریگل و هویزینگا ادامه می‌دهد. آن‌ها از نظر گامبریچ، ناگهانه و بدون پذیرش نظام متافیزیکی هگل، به کج‌روی‌های او ادامه دادند. فصل پنجم تحت عنوان «نشانه‌ها و علائم» به نقدی بر جمع‌باوری هگل و روش پیچیدگی‌های فردانگاران و انضمامی به «تاریخ فرهنگی» و مبارزه با ساده‌سازی و یکدست‌خواهی اختصاص یافته است. گامبریچ در فصل ششم، تحت عنوان «جنبش‌ها و عصرها»، سعی در تمایز میان اعصار و جنبش‌ها دارد و بر پارادایم باوری نسبی‌باورانه‌ی سده‌ی بیستمی می‌شورد. او در اینجا قصد دارد از بار جبرانگاری و کل‌باوری هگلی بکاهد. فصول هفتم و هشتم این رساله‌ی اصیل و دغدغه‌مندانه، به نحو سلبی نقدهای گامبریچ بر نظام دانشگاهی معاصر را پیش می‌نهند، و به نحو ایجابی، به بیان خصایل «تاریخ فرهنگی» مطلوب او اختصاص می‌یابند. در تقابل آشکار با اندیشه‌ی تاریخی سده‌ی

بیستمی و گسست‌انگاری تاریخ‌باورانه‌ی پست‌مدرن‌ها، گامبریک با اندیشه‌ای سنت‌باورانه بر کوشش در راه کشف تداوم‌ها و تعلیم صحیح دانشجویان به منظور حفظ و تداوم سنت «ارزشمند» غربی تأکید می‌کند. این رساله‌ی گراندقدر با بیان دغدغه‌ی خردمندانه‌ی گامبریک در باب رشد پژوهش و پژوهش‌گری در علوم انسانی و خطر مرگ‌آسای تجزیه و تکه‌تکه‌شدن این علوم با پایان می‌آید.

زانجاکه تقریباً تمامی آراء مطرح‌شده در این رساله، به نظر مناقشه‌آمیز و قابل‌نقد می‌آید، لازم دیده شد که دو نمونه از نقدهای فراوان واردآمده بر اندیشه گامبریک به این مجموعه افزوده شوند. نویسندگان روشن‌اندیش این دو مقاله‌ی انتقادی، به آشکارترین شیوه‌ها، ناهمسازی درونی و خودانکارگری‌های اندیشه‌ی گامبریک را افشاء کرده و بر ناآگاهی او نسبت به تحولات معرفت‌بشری در زمانه‌ی هم‌جوار و البته ضعف فلسفی‌اش تأکید کرده‌اند.

دن کارلهلم (Dan Karlholm) (متولد ۱۹۶۳) نویسنده‌ی سوئدی نقد نخست، تحت عنوان گامبریک و تاریخ فرهنگی، مؤسس و مدیر و استاد دپارتمان تاریخ هنر در دانشگاه سودرتورن است. حوزه‌ی مطالعاتی موردعلاقه‌ی او عمدتاً تئوری و تاریخ هنر معاصر است. او می‌گیرد. از آثار او می‌توان به کتاب راهنمای تاریخ هنر (۱۹۹۶) و هنر و رسم: راهنمای تاریخ هنر در آلمان سده‌ی نوزدهم و فراسوی آن (۲۰۰۴) اشاره کرد. کارلهلم بر نقد خویش، به بیانی روشن و رسا و صمیمی، دو وجه اساسی اندیشه‌ی گامبریک یعنی نفرت او از تاریخ فرهنگی هگلی و ستایش او از سنت کلاسیک غربی را مورد نقد قرار داده و نشان می‌دهد که این دو وجه فی‌الواقع «دو روی یک سکه» هستند. کارلهلم بر ما آشکار می‌سازد که فقر اسناد و مدارک در کار گامبریک، فهم تقلیدی و نارسای او از مفاهیم پراهمیتی چون کل‌باوری و تاریخ‌باوری و البته خصلت ضدتاریخی اندیشه‌ی او تا چه حد به گمراهی

وجه نخست و سلبی اثر او منجر شده است. اما در باب وجه دوم و ایجابی اندیشه‌ی گامبریچ، کارلهم بریدیل عینی‌باورانه‌ی دیدگاه او و حمایت‌اش از مفهوم «سنت» متمرکز می‌شود و از یک سو حال و هوای عینیت‌طلبانه و قرن هجدهمی‌اندیشه‌ی او (به پیروی از کارل پوپر) و کوشش او برای نشان دادن فرازمانی بودن زیست‌شناختی به جای تاریخ را نقد کرده و از سوی دیگر خصلت، قوم‌محورانه و نژادپرستانه‌ی کارگامبریچ را تقبیح می‌کند.

کلود نیکلاوس پی‌ور (Claude Nicholas Pavur) (متولد ۱۹۵۲) کشیش آمریکایی راست‌گرای فعالیتات مسیحی و مدرس زبان لاتین در دانشگاه سنت لوییس می‌سوری، از سنده‌ی نقد دوم تحت عنوان /حیای تاریخ فرهنگی؛ فراتر از گامبریچ/ است. از مهم‌ترین آثار او می‌توان به ترجمه‌های پر شمار او از مهم‌ترین آثار تمدن و فرهنگ رومیان و تأملات مارکوس اورلیوس از زبان لاتین، و همچنین کتاب‌هایی که به مثابه اومانیزست اشاره کرد. پی‌ور که سخت دغدغه‌ی تحریف و تکه‌تکه شدن آموزش علوم انسانی را دارد، در مقاله‌ی اندیشه‌ورزانه‌ی خریش نشان می‌دهد که چگونه کل باوری، الگوسازی، نظریه‌پردازی و البته روایت‌گری در ذات «تاریخ فرهنگی» سده‌ی نوزدهم نه خطاهایی حاصل گمراهی که یا بلند نفربلکه خصایل اجتناب‌ناپذیر ساختار شناختی و ادراکی آدمی هستند؛ راینکه گامبریچ با هجوم بر این خصایل، به تجزیه‌ی علوم انسانی انسان‌ها در دام پژوهش باوری (که خود نیز در فصل پایانی رساله‌ی خویش از آن مبالغه‌یاری می‌رساند. مقاله‌ی پی‌ور جدا از نشان دادن تناقضات درونی، برگامبریچ، بالاستقلال می‌تواند پیام‌آور بینش‌های ارزشمند فراوانی باشد.

تاریخ باوری و اعتقاد به تاریخت گریزناپذیر همه‌ی وجوه حیات انسانی، خصلت قوام‌بخش بسیاری از جریان‌های اندیشه‌ی قاره‌ای در دوران معاصر هگل و مارکس گرفته تا هایدگرو پارادایم باوران پست مدرن است. در تقابل نهادن این نگرش بنیادین با عدم حساسیت به تاریخ یعنی خصلت

مؤکد در ذات اندیشه های آنگلو ساکسون از لوح سفید جان لاک وار گرفته تا تاریخ ستیزی فلسفه ی تحلیلی می تواند به زایش بصیرت های فراوان بینجامد. رساله ی گامبریچ و رویارویی اش با اندیشه ی تاریخی هگلی می تواند تصویری صادق از این تقابل عرضه کند.

سید رضا وسمه گر

تابستان ۱۳۹۷